

کجا خودمان را پیدا می کنیم؟

در آیه ۱ از فصل ۱۲ می خوانیم که عیسی توسط جمعیتی بسیار زیاد و تا حدودی بی قاعده محاصره شده بود. آنها یکدیگر را از سر راه رانده و روی پاهای یکدیگر ایستاده بودند. در تمام این سر و صدا عیسی با شاگردان خود صحبت می کرد و در حالی که ما ادامه آیه ۱۲ را می خوانیم ، می توان دریافت که عیسی در میان جمعیت زیادی به آنها تعلیم می داد. عیسی به شاگردان خود در مورد خطر دورویی هشدار داد که آنها هر جا که باشند باید همان شاگردان او باشند و زندگی دوگانه ، نیمی دنیایی و نیمی به اصطلاح مسیح مانند نداشته باشند.

و سپس ناگهان این صدای از میان جمعیت به گوش می رسد و خواستار توجه عیسی با درخواست

‘استاد ، به برادرم بگو.....’

اکنون ما با دارایی های مادی روبرو هستیم که با آنها چه کنیم ، چگونه آنها را مشاهده کنیم. در یک محیط خصمانه به راحتی می توان داشته های ما را از ما گرفت. در بسیاری از مناطق ، از خصوصیت با عیسی ، به پیروان او شغل داده نمی شود ، زمین آنها را از آنها می گیرند و وسایل آنها را مصادره می کنند (ر.ک ؛ عبرانیان ۱۰: ۳۲-۳۴).

این مرد عیسی را فقط به عنوان یک معلم ، نه به عنوان استاد ، نه به عنوان مسیح می شناسد. او از عیسی می خواهد کاری انجام دهد اما آنچه مرد واقعاً می خواهد قاضی است نه معلم. او می خواهد از عیسی برای اهداف خود استفاده کند. او می خواهد که عیسی مشکل ارث را به نفع خودش مرتب کند. هیچ اشاره ای به بی عدالتی احتمالی نشده است. او خودخواه بود.

آیه ۱۴.

در اینجا پاسخی برای مرد و برادر آمده است که می گوید "قضاوت بین شما دو نفر ". پاسخ او در واقع پاسخی نبود ، عیسی با یک سوال پاسخ داد. او روشن کرد که زمان حضور وی به عنوان قاضی زمانی خواهد بود که دوباره بیاید اما اکنون نیست. (یعقوب ۵: ۹) عیسی از انجام کاری که مرد از او می خواهد سر باز می زند. عیسی به وظیفه خود وفادار ماند ، تا به مردم از خواست خدا ، توبه بگوید و دوباره به خدا گوش فرا دهد.

عیسی مرد را در انتظار عمومی تحقیر نکرد. کاری که او انجام داد این بود که انگیزه مرد را در پس این درخواست نشان می دهد ، یک میل گناه آلود برای داشتن ، داشتن ، داشتن. چیزی که بتوانیم به راحتی در خودمان پیدا کنیم. به احتمال زیاد هر دو مرد مقصر ، بخاطر حرص و طمع بودند - برادر بزرگتر که به برادرش آنچه را که حقش بود نداد و برادر دیگر بخاطر خواستار گرفتن آنچه که بود.

آیه ۱۵.

در این آیه یک هشدار وجود دارد. عیسی در مورد "زندگی" صحبت می کند. چه زندگی؟ زندگی یعنی چه؟

برای چی زندگی می کنیم؟ خواسته های زندگی اولویت بندی را برای ما دشوار می کند. فقط در روابط ما با عیسی است که می توانیم بفهمیم که واقعاً چه کسی هستیم و شخص با همان ارزشی که او ما را می بیند.

عیسی از درخواست برادر به عنوان فرصتی برای آموزش جمعیت استفاده می کند و توجه خود را به آنها معطوف می کند. حرص و آز ، مانند بسیاری از گناهان دیگر ، اشکال مختلفی دارد. "از هر نوع حرص و آز جلوگیری کنید". چه نوع حرص و آز وجود دارد؟

ما فقط وقتی می توانیم با گناهان حرص و طمع مقابله کنیم که آماده تأیید وجود آنها باشیم و در این صورت می توانیم هوشیار باشیم و آنها را بشناسیم. فقط در این صورت است که ما آماده مقاومت هستیم.

آیات ۱۶-۲۱

ما به تازگی یک مشکل در زندگی واقعی شنیده ایم و اکنون عیسی مثالی از یک مرد **ساختگی** را تعریف می کند.

چرا به کشاورز ثروتمند احمق گفته می شود؟

کشاورز ثروتمند احمق است نه به دلیل اینکه ثروتمند است یا به خاطر اینکه برای آینده پس انداز می کند ، بلکه به این دلیل که به نظر می رسد فقط برای خودش زندگی می کند و معتقد است که می تواند با دارایی های فراوان زندگی اش را تأمین کند.

وقتی مرد ثروتمند با این مثل صحبت می کند ، فقط با خودش صحبت می کند و تنها شخصی که به او مراجعه می کند خودش است: "چه کاری باید انجام دهم ، زیرا جایی برای ذخیره محصولات خود ندارم؟" من این کار را انجام می دهم: انبارهایم را در هم می کویم و بزرگترش را می سازم و در آنجا تمام غلات و کالاهایم را ذخیره می کنم. و من به روح خود خواهم گفت ، 'روح ، تو کالاهای فراوانی دارید که سالهاست در آنجا ریخته ای. آرام باش ، بخور ، بنوش ، شاد باش(۱۲: ۱۷-۱۹).

سرزمین مرد ثروتمند به وفور تولید کرده است ، با این وجود خدا در همه اینها کجاست؟ در اینجا خبری از شکرگذاری از خدا یا کارگرانی نیست که به او کمک کرده اند این محصول را بکار و برداشت کند. او غلات و کالاهای ذخیره شده بیش از آنچه که می توانست امیدوار باشد استفاده کند ، اما به نظر می رسد که او نه تصور کرده است که آن را با دیگران تقسیم کند ، و نه به این فکر کرده است که خدا ممکن است از او چه خواسته ای داشته باشد. او نسبت به این واقعیت که زندگی او متعلق به خداست زندگی خود او نیست و خداوند می تواند هر زمان خواستار بازگشت آن باشد، کور است

مرد ثروتمند راه سخت را می آموزد - به همین سادگی ، که نه می توانست آن را با خودش ببرد و نه ما. تمام کارهای سخت ما به دست شخص دیگری می رسد.

همچنین وسوسه می شویم که فکر کنیم داشتن مقدار زیادی پول و دارایی باعث امنیت ما خواهد شد. دیر یا زود ، می فهمیم که هیچ مقدار ثروت یا دارایی نمی تواند زندگی واقعی به ما بدهد. هیچ ثروتی نمی تواند ما را از یک بیماری ارثی ژنتیکی محافظت کند ، یا از یک حادثه دلخراش. هیچ ثروتی نمی تواند روابط ما را سالم نگه دارد و خانواده های ما از هم پاشیده نشوند. در حقیقت ، ثروت و دارایی می تواند به راحتی اعضای خانواده را از هم جدا کند ، مانند موردی که برادران بر سر ارث خود می جنگند.

از همه مهمتر ، هیچ مقدار ثروت نمی تواند زندگی ما را با خدا تأمین کند. عیسی مکرراً هشدار می دهد که ثروت می تواند مانع رابطه ما با خدا شود. "مراقب باش!" او می گوید

دوباره آیه ۱۵. "مواظب خود باشید در برابر انواع حرص و آز و طمع. زیرا زندگی کسی در انبوه دارایی ها نیست

این نیست که خدا نمی خواهد ما برای نیازهای آینده پس انداز کنیم. خدا می خواهد از آنچه به ما داده لذت ببریم. ما می دانیم که عیسی وقت خود را صرف خوردن و آشامیدن با مردم و لذت بردن از زندگی می کرد اما عیسی در مورد اینکه امنیت واقعی او در کجاست ، صریح بود.

این همه در مورد اولویت هاست. این در مورد این است که خدا واقعاً در زندگی ما چیست. این در مورد چگونگی استفاده ما از زندگی و مواهبی است که خداوند به ما عطا کرده است. این در مورد مسیری است که زندگی ما به چه سمتی پیش می رود: به سمت خودمان و خواسته های زودگذرمان ، یا به سمت خدا و همسایه مان ، به سمت ماموریت خدا برای برکت دادن و فدیة دادن جهان است.

زندگی و داشته های ما متعلق به خود ما نیست ، آنها متعلق به خدا هستند و ما صرفاً سرپرست آنها هستیم برای زمانی که خداوند در این زمین به ما داده است. ما غالباً در برابر این حقیقت قیام می کنیم زیرا می خواهیم مسئولیت زندگی و مسائل خود را به عهده داشته باشیم.

پروردگار ، آیا ما گرفتار "من ، خودم و شخص من" می شویم؟

آیا از عیسی می خواهیم که به ما نشان دهد چه ارزش ها و ثروت واقعی در زندگی ما وجود دارد؟.